

**انوشه میرمرعسی**

سفرنامه‌ها از رهیافت‌های شاخص به تاریخ، فرهنگ و آداب و سنن هر دوره هستند. این گزارش‌ها عمدتاً توسط مردان به نگارش درآمده‌اند و بانوانی که برای این امر دست به قلم برده‌اند، کم‌شمار هستند. در مقالی که پیش رو دارید، برخی از بانوان سیاحت‌نگار معرفی و مضمون نگاهشته‌های ایشان بازنمایی شده‌اند. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عسوم علاقه‌مندان را مقبید و مقبول آید.

■ ■ ■

رحله یا سفرنامه کتابی است که نویسنده در آن شرح مسافرت خود، شهرها و روستاهایی که به آن وارد شده و هر آنچه که دیده و به نظرش جالب آمده را می‌نویسد. معمولاً بیشتر سفرنامه‌نویسان به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی منطقه جغرافیایی که به آن وارد شده‌اند و روحیات مردمان دیار مقصد اشاره می‌کنند. و همه اینها یعنی سفرنامه‌ها حاوی مطالب خواندنی و جذابی است که بسته به اطلاعات، دقت و معرفت نویسنده آن می‌تواند قابل تأمل تر باشد.

در تاریخ ایران گرچه به تعداد کم اما بانوان فرهیخته‌ای بوده‌اند که اقدام به سفرنامه‌نویسی کرده و آن را برای مخاطبان به یادگار گذاشته‌اند. سفرنامه‌هایی با نگاه زنانه، موشکافانه و مملو از داده‌های تاریخ اجتماعی… در این مطلب به شکل مختصر به این سفرنامه‌های تاریخی اشاره شده است.

■ **بانوی سفرنامه‌نویس عصر صفوی**

یکی از قدیمی‌ترین سفرنامه‌هایی که توسط یک بانوی ایرانی نوشته شده است؛ «سفرنامه منظوم حج بانوی اصفهانی» است. متأسفانه درباره هویت نویسنده اطلاعات چندانی در دسترس نیست. تنها همین که نامش «شهربانو بیگم» است و از سادات اردوباد؛ اما وی خود را همسر «میرزاخلیل» یکی از منشی‌های دیوان عالی شاهسلطان حسین صفوی معرفی می‌کند. او در ابتدای سفرنامه منظومش (همه سفرنامه به زبان شعر است) توضیح می‌دهد که پس از فوت همسر عزیزش نتوانسته غم فراق «میرزاخلیل» را تحمل کند و برای تسکین غم از دست دادن همسر عزم سفر «حج» می‌کند.

احساسات زنانه در سفرنامه همسر میرزاخلیل موج می‌زند او از دیدن چند تن از اقوامش در منطقه دولت‌آباد قزوین بسیار ذوق‌زده می‌شود یا مثلاً وقتی در طول مسیر با سبختی‌ها و ناامنی‌های منطقه تحت سلطه عثمانی مواجه می‌شود، از ترس‌ها و اضطراب‌هایش سخن می‌گوید و حتی چون خیلی به شهر اصفهان علاقه داشته وقتی به شهر حلب (در سوریه امروزی) می‌رسد و بازارها و کوچه و خیابان‌های آنجا را شبیه اصفهان می‌یابد خوشحالی‌اش را این‌گونه بیان می‌کند:

شبیه اصفهان دیدم حلب را

به ایران توأمان دیدم حلب را
این بانو وقتی به شهر مکه می‌رسد به توصیف دیده‌هایش می‌پردازد…

به سنگستان کعبه رو نهادند

غم و اندوه را یکسر نهادند

ز بعد چار فرسخ، پنجم ماه

نمایان گشت چون مه کعبه‌الله
سپس شروع به توضیح دادن اعمال حج می‌کند…

سحر چون خور بر آورد از اقق سر

روان گردیدم از وادی معشر

چو نزد جمره عقبی رسیدم

عنان محمل خود را کشیدم

به فرمان خداوند یگانه

نمودم رجم و گردیدم روانه

پس آنکه در منی خرگه تکبیدم

حمله از بهر قربانی خریدم…
علاقه شهربانوبیگم به خاندان رسول‌الله-صلی‌الله علیه و آله و سلم- در اشعارش عیان است. به ویژه وقتی به مدینه می‌رسد و می‌بیند که در حرم اهل‌بقیع پورا پهن شده است خیلی ناراحت می‌شود و آرزو می‌کند که شاه ایران برای آن حرم‌های مطهر فرش بفرستد.

ز فرقت شرحه شرحه گشت سینه

رسیدم تا به نزدیک مدینه

ز شوق مرقد طه و یاسین

چو چشمم زان حرم گردید روشن

تو گویی کرد قاجار رجعت روح در تن

و در آخر این بانو با غم شرح جدا شدن از مدینه و حرکت به سوی وطن سفرنامه‌اش را به انتها رسانده است.

■ **بانوی درباری سفرنامه‌نویس**

از دوره ناصرالدین‌شاه قاجار چندین سفرنامه حج داریم که بانوان درباری آن را نوشته‌اند. اما دو تا از این سفرنامه‌ها، با نگاه زیربنیان‌تر و با لطافت زنانه‌تری نوشته شده است. یکی را یک بانوی دربار ناصری و یکی را یک بانوی درباری هندی اما فارسی‌زبان نوشته است. سفرنامه اول مربوط به سکینه سلطان ملقب به «وقارالسلطنه» همسر ناصرالدین‌شاه است. البته وقارالسلطنه در سال ۱۳۱۷ق (۱۲۷۹ش) یعنی چهار سال بعد از کشته شدن ناصرالدین‌شاه و در حالی که دوباره از دواج کرده است همراه برادرش راهی سفر عتبات و حج می‌شود.

وقارالسلطنه با قلمی طنزگونه شرح سفر خود را از خداحافظی با بستگان و دوستان شروع می‌کند و ریزه ریزه و به شکل روانه شرح سفرش را ابتدا به کربلا و نجف و سپس به مکه و مدینه شرح می‌دهد.

اما سفرنامه دوم در کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد) سفرنامه حجی به زبان فارسی وجود دارد که توسط «شاهجهان بیگم» اهل هند نوشته شده است. این بانو از امیرهای شهر «پهوپال» هند است که خود و همسرش از نسل پادشاهان مغولی هندوستان بوده‌اند. شاهجهان بیگم در سال ۱۲۸۰ق (برابر با ۱۲۴۳ش و همزمان با دوره پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار) به سفر حج رفته و به فارسی روان و زبانی ساده شهر مکه و اعمال حج را با نگاهی موشکافانه و لطیف توصیف می‌کند.



**نگاهی به سفرنامه‌های بانوان ایرانی از دیروز تا امروز**

# سیاحت‌نگاری بانگاه زنانه

■ **شرح سفر فرنگ بی‌بی کوکب بختیاری**

شاید بتوان گفت اولین بانوی ایرانی که به سفر فرنگ (روپا) رفت و سفرنامه نوشت، «بی‌بی کوکب بختیاری» بود. او برعکس بسیاری از مردان عصر هم خود که به سفر فرنگ رفتند و سپس در سفرنامه‌های خود با از خودباختگی و تحقیر فرهنگ وطن، حیرت‌نامه‌ا نوشتند؛ با نگاهی ریزش و منطقی و بر اساس اصول اعتقادی‌اش فرنگ را تصویر کرد و حتی به نقد ظواهر فریبنده آن پرداخت. بی‌بی کوکب دختر نصیرخان سردارچنگ از شاخه هفت‌لنگ ایل بختیاری، در سال ۱۲۷۱ش به دنیا آمد. او از جوانی اعتقادات قوی و ذوق ادبی داشت و همین امر هم باعث شده بود که بانویی اهل مطالعه و تفکر باشد. در جوانی با فتحعلی‌خان سردار معظم بختیاری از دواج کرد. سال‌ها بعد به همراه همسرش سرفی به اروپا داشت و به ویژه چون پدرش برای معالجه بیماری در هامبورگ آلمان اقامت داشت، سفری هم برای دیدار

با پدر به کشور آلمان داشت.

بی‌بی کوکب در این سفر قلم به دست گرفت و شروع به نوشتن مشاهداتش از این سفر کرد. او ابتدای سفرنامه‌اش را این‌گونه آغاز کرده است: «بیاورد بر یسر و تمم بالخیر، الهی عاقبت محمود گردان. روزنامه فرنگستان کمینه کوکب بختیاری است. همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من تو سفرم
فحمدا ثم حمدا ثم حمدا که محؤل احوال بندگان و سبب‌ساز کار عالمیان اسباب و ساز سفر خیریت اثر فرنگ را که اطبا جهت معالجه و صیانت نفس واجب دانسته و اقربا بر انجام آن اصرار مؤکد دارند در مرافقت زوج معظم مهیا فرمود. تا دو سه ماه قبل از این، از همه اسباب سفر فخر عظم سفر در سر بود

با پدر به کشور آلمان داشت.
بی‌بی کوکب در این سفر قلم به دست گرفت و شروع به نوشتن مشاهداتش از این سفر کرد. او ابتدای سفرنامه‌اش را این‌گونه آغاز کرده است: «بیاورد بر یسر و تمم بالخیر، الهی عاقبت محمود گردان.

روزنامه فرنگستان کمینه کوکب بختیاری است.

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من تو سفرم

فحمدا ثم حمدا ثم حمدا که محؤل احوال بندگان و سبب‌ساز کار عالمیان اسباب و ساز سفر خیریت اثر فرنگ را که اطبا جهت معالجه و صیانت نفس واجب دانسته و اقربا بر انجام آن اصرار مؤکد دارند در مرافقت زوج معظم مهیا فرمود. تا دو سه ماه قبل از این، از همه اسباب سفر فخر عظم سفر در سر بود
عرصه ادبیات داستانی، و گاهی با رویکرد اجتماعی و با توجه به مسائل زنان، مانند آنچه دکتر مرزویه داوودپور (بانوی پزشک مشهدی) نوشته است با عنوان «خانه دوست اینجاست.»

گرایش بانوان ایرانی به نوشتن سفرنامه حج در چهار دهه اخیر نسبت به قبل از انقلاب آن قدر زیاد شده که در چهار دهه گذشته بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب سفرنامه حج نوشته و چاپ شده است.

■ **سفرنامه کربرای بانوان ایرانی**

گرچه در دوره قاجار چند عنوان سفرنامه حج و عتبات از زنان درباری قاجار باقی مانده است اما تااواخر دهه ۸۰ شمسی هیچ سفرنامه مستقل کربلاز‌سوی بانوان ایرانی نوشته و چاپ نشده است. اولین سفرنامه مستقل عتبات مربوط به سفرنامه کربلای خانم «مهناز ستوده‌نیا» است. ایشان بانویی اصفهانی و از فعالان قرآنی کشور است. خانم ستوده‌نیا در سال ۱۳۸۷ش و در شرایطی که اوضاع امنیتی کشور عراق چندان مناسب نبوده و همسر و فرزندانش هم رضایت چندانی برای رفتن ایشان به کربلاندانسته‌اند، رضایت آنها را جلب می‌کند و با کاروان زیارتی خواهرزاده‌اش به سفر کربلا می‌رود. حادثه خاص این سفرنامه سفر عراق می‌افتد که خانم ستوده‌نیا و خواهرزاده‌شان در بین‌الحرمین با بمب‌گذاری عوامل تکفیری مواجه می‌شوند.

خانم ستوده‌نیا که لفظاتی پر کشیدن روح را از تن خود احساس کرده در بیمارستان کربلا به زندگی برمی‌گردد. ایشان همه تر کش‌های اصابت شده به بدنش و حتی خرد شدن استخوان‌های پا و دست خود را مهر تأیید امام حسین(ع) مبنی بر پذیرش ایشان در آن سفر می‌داند. او دردهای ناشی از این جانباری را در د عشق به خاندان نبوت(ص) معرفی می‌کند و در ادامه سفرنامه خود، از طی مراحل درمان در بیمارستان‌های ایلام و اصفهان می‌نویسد و در نهایت قطعه نشندن پایش را با وجود عفونت شدید، نشانه عنایت‌الله(ع) می‌داند. البته از ابتدای

## عاریخ

کفت و کوم ۸۸۴۹۸۴۳۷



## د

و خیال خام در نظر می‌نمود ولی بحمدالله فضل و توفیق الهی وسایل از هر جهت تدارک و تکمیل گردید و حالیا خود را نه فقط عازم و جازم بل مسافر رو به راه و راهی پادر رکاب می‌بینم. جرس فریاد می‌دارد که بریندید محمل‌ها…»

بی‌بی کوکب در این سفرنامه ضمن بیان پیشرفت‌های مادی مردم اروپا، از ظواهر فریبنده و فرهنگ مادگراییانه اروپاییان انتقاد می‌کند و در مقابل آن به شدت از عقاید و باورهای اسلامی و فرهنگ ایرانی دفاع می‌کند.

در واقع همین روحیه اعتقادی و وطن‌پرستی این بانوی بختیاری است که سفرنامه فرنگ او را از بقیه سفرنامه‌های هم‌عصر خود متمایز کرده است. البته سال‌ها بعد از سفر فرنگ، بی‌بی کوکب در سال ۱۳۲۷ش به سفر مکه مشرف شد. او سرانجام در سال ۱۳۳۹ش در اصفهان درگذشت و او را در کنار مزار همسرش فتحعلی‌خان در قبرستان تخت فولاد دفن کردند.

■ **سفرنامه‌های حج دهه اخیر**

چند سال بعد از جنگ جهانی دوم و برگشت آرامش نسبی به دو قاره آسیا و اروپا کم‌کم سفر رفتن‌های

ایرانیان به کشورهای دیگر آغاز می‌شود. در این دوران محدود بانوانی هستند که شرح سفر خود را نوشته‌اند که تعدادی از آنها شرح سفر حج خود را نوشته‌اند.

اما اوج سفرنامه‌نویسی بانوان ایرانی بعد از انقلاب اسلامی و در دهه ۶۰ شمسی شروع شد. از این دوران است که بانوان دست به قلم شروع به نوشتن سفرنامه به ویژه سفرنامه حج می‌کنند. این سفرنامه‌ها گاهی بسیار عارفانه نوشته شده مانند سفرنامه حج «زینب‌السادات علویه همایونی» از شاگردان خاص بانو امین اصفهانی، گاهی با وجه ادبی و فرهنگی نوشته شده مانند سفرنامه «شبستان دل» به قلم زهرا زواریان از بانوان داستان‌نویس و پژوهشگر عرصه ادبیات داستانی، و گاهی با رویکرد اجتماعی و با توجه به مسائل زنان، مانند آنچه خانم دکتر مرزویه داوودپور (بانوی پزشک مشهدی) نوشته است با عنوان «خانه دوست اینجاست.»

گرایش بانوان ایرانی به نوشتن سفرنامه حج در چهار دهه اخیر نسبت به قبل از انقلاب آن قدر زیاد شده که در چهار دهه گذشته بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب سفرنامه حج نوشته و چاپ شده است.

■ **سفرنامه کربرای بانوان ایرانی**

گرچه در دوره قاجار چند عنوان سفرنامه حج و عتبات از زنان درباری قاجار باقی مانده است اما تااواخر دهه ۸۰ شمسی هیچ سفرنامه مستقل کربلاز‌سوی بانوان ایرانی نوشته و چاپ نشده است. اولین سفرنامه مستقل عتبات مربوط به سفرنامه کربلای خانم «مهناز ستوده‌نیا» است. ایشان بانویی اصفهانی و از فعالان قرآنی کشور است. خانم ستوده‌نیا در سال ۱۳۸۷ش و در شرایطی که اوضاع امنیتی کشور عراق چندان مناسب نبوده و همسر و فرزندانش هم رضایت چندانی برای رفتن ایشان به کربلاندانسته‌اند، رضایت آنها را جلب می‌کند و با کاروان زیارتی خواهرزاده‌اش به سفر کربلا می‌رود. حادثه خاص این سفرنامه سفر عراق می‌افتد که خانم ستوده‌نیا و خواهرزاده‌شان در بین‌الحرمین با بمب‌گذاری عوامل تکفیری مواجه می‌شوند.

خانم ستوده‌نیا که لفظاتی پر کشیدن روح را از تن خود احساس کرده در بیمارستان کربلا به زندگی برمی‌گردد. ایشان همه تر کش‌های اصابت شده به بدنش و حتی خرد شدن استخوان‌های پا و دست خود را مهر تأیید امام حسین(ع) مبنی بر پذیرش ایشان در آن سفر می‌داند. او دردهای ناشی از این جانباری را در د عشق به خاندان نبوت(ص) معرفی می‌کند و در ادامه سفرنامه خود، از طی مراحل درمان در بیمارستان‌های ایلام و اصفهان می‌نویسد و در نهایت قطعه نشندن پایش را با وجود عفونت شدید، نشانه عنایت‌الله(ع) می‌داند. البته از ابتدای

### پیش‌خوار

**به بهانه انتشار نقدهای مجموعه‌ای از صاحب‌نظری**

**بر خاطره‌نگاری‌های مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی**

**در اشاره به مصادیق «روایت‌های ناروا»**

■ **احمد رضا صدری**



خاطرات مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی به همان میزان که در تاریخ‌نگاری انقلاب مؤثر تواند بود، درخور سنجش و بررسی نیز هست. هم از

این رو است که از بدو انتشار مجلدات آن، نقد مضمون آنها نیز کلید خورده و به مرور مدعیان بیشتری می‌یابد. اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، دربردارنده برخی از این نقدهاست که در فصلنامه ۱۵ خرداد انعکاس یافته است. سه‌راپ مقدمی شهیدانی فراهم‌آورنده اثر، در دیباچه این مجموعه آورده است: «خاطر‌نگاری رجال سیاسی، در

همه جوامع مرسوم است و نقش آن در سامان دادن حافظه تاریخی و متمیم پژوهش‌های سیاسی، قابل انکار نیست. در حقیقت خاطرات رهبران، مبارزان و رجال سیاسی، یک سرمایه ملی است که به خودی خود می‌تواند مشعل فروزنده‌توی بیچج در بیچ تاریخ قرار گیرد اما شوربختانه این تمام ماجرا نیست و هیچ تاریخ‌نگار منصفی نمی‌تواند و نباید آسیب‌ها

و چالش‌های فراه‌راه خاطره‌نگاری را نادیده بینگارد یا در مواردی از نقش مخرب آن در تاریخ‌نگاری، غفلت ورزد. جناب آقای اکبر بهرمانی مشهور به هاشمی رفسنجانی، مردی است که همزمان با آغاز نهضت امام خمینی، در میدان مبارزات سیاسی وارد شد و به زودی خود را به رأس هرم مبارزاتی نزدیک ساخت و تقریباً تا چهار دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در مسئولیت‌های سیاسی عالی قرار داشت. روایت‌های او از وقایع مربوط به تحولات سیاسی نهضت و نظام، قطعا برای همه تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی، از اهمیت



بالایی برخوردار است و دقیقاً به همین دلیل، اگر عمداً یا سهواً مطالب خلاف واقع در این خاطرات وارد شده باشند، اثر تخریبی آن در محدودش‌سازی حافظه تاریخی محققان و پژوهش‌های تاریخی، قابل محاسبه نخواهد بود.»

گردآورنده این اثر در بخشی دیگر از مقدمه خویش، در معرفی تعداد و موضوع نقدهای گرد آمده در این مجموعه می‌نویسد: «نوشтар حاضر مجموعه ۱۰ مقاله در نقد خاطرات سیاسی مرحوم هاشمی رفسنجانی است که همگی در سال‌های حیات وی، در فصلنامه تخصصی ۱۵ خرداد منتشر شده است. در گردآوری این مجموعه تلاش بر آن بوده که بخش‌های متوسط خاطرات مرحوم هاشمی مورد نقد واقع شود تا مخاطبان ارجمند و حقیقت‌جو با سنخ‌نقدهای متنوع وارد بر آثار ایشان آشنا شوند. لذا این مجموعه تنها پیش‌درآمدی بر نقد مجموعه خاطرات سیاسی آقای هاشمی است و به هیچ وجه نمی‌توان و نباید بدان اکتفا شود. وجه امتیاز این مجموعه، تمرکز بر مستندنگاری و بازخوانی علمی روایت‌های مرحوم هاشمی است. نقض و ابرام‌های صورت پذیرفته در این مجموعه، نوعاً به ضمیمه منابع و مستندات تاریخی معتبر، صورت پذیرفته و امید است این مسئله در قضاوت جامعه علمی کشور مورد نظر واقع شود و مقبول افتد.

۱- پوریختیاری، غفار، مقاله «تختستین بانوی سفرنامه‌نویس ایرانی در اروپا»- بی‌بی کوکب بختیاری- فصلنامه علمی، پژوهشی زن و فرهنگ، سال سوم، شماره دوازدهم، تابستان ۱۳۹۱ش، صفحات اول ۹۳ تا ۹۹

۲- حسن‌آبادی، اکرم، مقاله «گزارش سفر حج بانوی هندی شاهجهان‌بیگم در سال ۱۲۸۰ق»، وقارالسلطنه- نشر اطراف (تهران)، چاپ اول ۱۳۹۸ش

۳- جعفریان، رسول، «سفرنامه منظوم حج»، نشر کینوش، زهر، «خانم! فردا کوچ است»- سفرنامه وقارالسلطنه- نشر اطراف (تهران)، چاپ اول ۱۳۹۸ش

۴- جعفریان، کیانی، صالحی‌زاده؛ رسول، کینوش، زهر، «خانم! فردا کوچ است»- سفرنامه وقارالسلطنه- نشر اطراف (تهران)، چاپ اول ۱۳۹۸ش

۵- داوودپور، مرزویه، «خانه دوست کجاست»، انتشارات پاز (مشهد)، چاپ اول ۱۳۸۶ش

۶- زواریان، زهرا، «شبستان دل»، انتشارات مدرسه، چاپ اول ۱۳۷۸ش

۷- ستوده‌نیا، مهناز، «یدار دیار در کربلا»، انتشارات عصر رهایی (قم)، چاپ اول ۱۳۹۰ش

۸- واعظ شهرستانی، نفیسه، «اوضاع اجتماعی روسیه از نگاه یک گردشگر ایرانی»، سایت خبرآنلاین، مورخ ۲۴ شهریور ۱۳۹۴ش

## ۹

||روزنامه جوان | شماره ۵۹۷۰

## جوان

مقاله‌ای است به قلم استاد سیدحمید روحانی که تلاش دارد به نقد روش‌های نامتعارف در القای مشهورات و متشابهاات تاریخی به جای رخدادها در مجموعه مصاحبه‌های آقای صادق زیباکلام با مرحوم هاشمی بپردازد.

هیوط در مه عنوان آخرین مقاله از این مجموعه خانم غمت مرعسی پرداخته است.

گفتنی آنکه نقد خاطرات سیاسی یک شخصیت با اکتار خدمات وی یا نفی گزاره‌های درست در خاطرات او تلازمی ندارد. انتظار آن است که همه دوستاران مرحوم هاشمی، به مجموعه نقدهای مطروحه در این اثر به دیده یک پیوست اصلاحی و تکمیلی بنگردند و چه بهتر که متولیان انتشار خاطرات ایشان، به بازنشر انتقادات علمی در ضمیمه مجموعه خاطرات ایشان همت گمارند تا خوانندگان و محققان، امکان قضاوت صحت‌سنجی گزاره‌های مطرح در خاطرات آقای هاشمی را داشته باشند. با توضیحات پیش گفته مشخص می‌شود که عنوان «روایت‌های ناروا» نه به معنای اصرار بر وجود چنین وصفی در مورد همه گزاره‌های تاریخی مندرج در خاطرات آقای هاشمی است بلکه بدان معناست که نویسندگان این مجموعه مقالات تلاش کرده‌اند گزاره‌های نادرست را از خاطرات ایشان استخراج و به صورت مستند نقد کنند تا سره از ناسره جدا شود و روایت‌های ناروای مندرج در مجموعه خاطرات آقای هاشمی، معلوم شود.

تدوین این مجموعه، گام کوچکی است در جهت مقابله با خطر تحریف تاریخ انقلاب اسلامی که امیدواریم مسودر استفاده محققان ارجمند و خوانندگان فرهیخته، قرار گیرد. لازم به تذکر نیست که نقد و نظرات سازنده خوانندگان محترم، چراغ‌راهی در جهت تکمیل و رفع نواقص احتمالی این مجموعه تلقی می‌شود، باشد که این وجیزه در منظر امام غایب از نظر مقبول افتد و نویسندگان و خوانندگان آن مشمول دعای امام و شهیدان باشند.»